

برج میلاد از منظر هرمنوتیک

نشانه‌های شهری را چه کسانی معنای می‌کنند؟ مردم یا مسئولان



علیرضا نوروزی طلب
دکترای پژوهش هنر

تهران، شهر هزار هزار تکه‌ای است که تکه‌هایش همچون قطعه‌های یک پازل از سر جبر به هم پیوسته‌اند و در مجموع یک ابرمتن است که ساختاری از اجزای ناهمگون و بی‌نظم دارد که هر از گاهی تکه‌ای جدید به آن ملحق می‌شود. تهران، شهری است الحاقی و کلاژگونه! و به همین جهت است که

می‌گویند: فاقد نظم شهرسازی است و از این منظر قابل مقایسه با آثار هنرهای تجسمی جنبش پُست‌مدرن است که کهنه و نو را با هم می‌آمیزد. با این تفاوت که جامعه ایران و سیر تحولات معماری و شهرسازی تهران، سیر تاریخی و منطقی گذر از مدرنیته به پُست مدرن را نگذارنده و البته این وضعیت برمی‌گردد به روند تکاملی جامعه و همچنین به سابقه دویست‌ساله آن که به عنوان پایتخت، برگزیده شد و همچون آهنربا، هر قطعه‌ای را با هر شکل، ساختار و کیفیتی به خود جذب کرد و قوانین هم در هیچ دوره‌ای نتوانست این آهنربایی‌اش را محدود کند؛ واقع شد آن چه که واقع شدنی است. بافت سنتی آمیخته شد با کلاف درهمی از ساخت و سازهای شبانه و بساز و بفروشی! و ساختمان‌های مدرن و شبه مدرن به صورت چیدمانی، فاقد وحدت و هارمونی، به هم چسبیده‌هایی ناهمگون شدند. به گونه‌ای که طرح‌های تفضیلی هم قادر به نظم بخشیدن این کلاف سردرگم و مهار این نهنگ عظیم‌الجثه (لوپتان) نیستند. کافی است به میدان محمدیه (اعدام سابق) و میدان خراسان و چهار راه گلوبندک و کوچه چاله حصار و گذر مستوفی و گذر قلی، خانه زنده یاد جلال‌آل احمد و پاچنار و امامزاده سید نصرالدین در خیابان خیام و گذر لوطی صالح در بازارچه مولوی و کوچه‌های اطرافش نظری بیاندازیم و از کوچه‌های آشتی‌کنان این محلات عبور کنیم که عرض باریکش امکان عبور هم زمان دو نفر از کنار هم را امکان‌پذیر نمی‌کند تا ببینیم که چه تضاد و کنتراست حیرت آور و اعجاب‌انگیزی در مقایسه این مناطق با برج‌های مسکونی و آپارتمان‌هایی که با نمونه‌های اروپایی و آمریکایی نه تنها رقابت می‌کند، بلکه در بعضی موارد چند سر و گردن از آن‌ها بالاتر است و البته این ساختمان‌ها نیز در خیابان‌هایی تنگ و باریک جا خوش کرده‌اند ولی از امتیاز خدمت‌گذاری بزرگ‌راه‌ها، به‌خوبی بهره‌مند شده‌اند. در این

علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجموع علوم انسانی

شهر هزارپاره، برجی از خاک سر برآورده که «میلاش» نام نهادند و نطفه‌اش با این آگهی شهرداری بسته شد که می‌خواهد یک نماد ۲۰۰ متری در تهران بسازد و علاوه بر کارکرد نمادین (Symbolic) کارایی مخابراتی و رادیو تلویزیونی هم داشته باشد. سال ۱۳۷۱ برنده مزایده، کار را با مطالعات اولیه آغاز کرد. از ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶ طراحی پروژه انجام شد و عملاً از سال ۱۳۷۶، عملیات اجرایی آن شروع شد. قرار بود که طی سه سال، کار به پایان رسد که به دلیل مشکلات نقدینگی و مدیریتی کار پیش نرفت و در نهایت با هزینه ۲۶۰ میلیون دلار معادل ۲۶۶ میلیارد تومان و طی زمانی قریب یازده سال بالاخره در ۱۶ مهر ماه سال ۱۳۸۷ ساخت برج میلاد به سرانجام رسید. برجی که همه نشانه‌های یک شهر مدرن (بخوانید تهران) را در اندام خود دارد و رکورد جهانی مقام چهارم را نیز کسب کرده است.

مشخصات و اطلاعات برج میلاد

۱ برج میلاد ۴۳۵ متر بر روی تپه نصر میان مرکز و غرب تهران، بین شهرک غرب و گیشا، محصور میان چهار بزرگراه رسالت، همت، چمران و شیخ فضل الله نوری قرار دارد.

۲ از هنر ایرانی - اسلامی در طراحی لابی و سازه رأس و چند بخش دیگرش استفاده شده و دارای امکانات رفاهی و تفریحی تقریباً کامل است. هتل پنج ستاره، مرکز همایش‌ها، سالن سینما، رستوران گردان، کافه‌تريا در اوج آسمان، نگارخانه، محیط‌های روباز و سرپشته برای دیدن چشم‌اندازهای تهران.

۳ درمقایسه با برج سسی ان تورنتوکانادا ۵۵۲/۳ متر، برج مسکو با ۵۳۳ متر و برج شانگهای چین با ۵۰۰ متر ارتفاع در مقام چهارم برج‌های مخابراتی جهان قرار دارد. سازه رأس برج که امکان حضور در آن و دیدن همه تهران را به گردشگرانی می‌دهد در ارتفاع ۳۱۵ متری از سطح تپه نصر (گیشا) قرار دارد. بقیه ارتفاع برج، آنتن آن است که ۱۲۰ متر ارتفاع دارد. ریشه‌ای ۱۹ متری در گودالی دایره‌ای به مساحت ۹۰۰ متر مربع قرار دارد. بزرگ‌ترین سازه رأس را در میان سایر برج‌ها دارد.

۴ سالن همایش‌ها با ۵۰ هزار متر مربع فضا و هشت طبقه ساختمان که یک سالن اصلی دارد با ظرفیت حدود دو هزار نفر و مجهز به دستگاه‌های نور، صدا و آسانسور با گنجایش ۲۳ نفر. رستوران بین‌المللی در طبقه VIP است. چند تلسکوپ که در فضای بیرونی VIP قرار دارد، این امکان را برای بازدیدکنندگان فراهم می‌کند که نظاره‌گر آسمان و فضای لایتناهی باشند.

برنال جامع علوم انسانی



تلویزیونی، خدماتی و تفریحی دارد و مرکزی باشد برای تجارت، امور اداری و جاذبه‌های شهری!

می‌دانیم که شهرهای بزرگ دنیا هر کدام ساختمانی شاخص، متمایز و نمونه دارند که به نوعی سمبل شهر محسوب می‌شود. «برج ایفل» که به مناسبت صدمین سال انقلاب کبیر فرانسه توسط «گوستاو ایفل» ساخته شد، نماد پاریس است. موزه «لوور پاریس»، این شهر را مبدل به مرکز تحولات هنری جهان کرده است. ایتالیا، «برج پیزا» دارد و مالزی، «برج‌های دوقلو» کوالالامپور که تلفیق معماری مدرن و سنتی است. «مجسمه آزادی» در نیویورک نه تنها نماد شهر، بلکه نماد کشور آمریکا هم شده است.

آیا برج میلاد بنای یادبود (Monumental)، مظهر یک نظام، تجلی اقتدار و استقلال یک ملت است؟ و بدیلی است برای برج میدان آزادی (شهید سابق) که سرافرازی‌اش را از اکثر نقاط تهران به رخ می‌کشد؟ برج میلاد، نماد چه ارزش‌هایی است؟ در این مورد، سخن بسیار رفته است که به چند مورد آن اشاره می‌شود.

"برج میلاد سمبل بنای یک جامعه محکم و استوار است. سمبل یک نظام بلند، با دید وسیع و با دیدی که از بالا به مسایل نگاه

رستوران‌گردان در ارتفاع ۲۷۶ قرار دارد و گنبد آسمان با ۵۰۰۰ شیشه‌ی مخصوص مسقف شده است. فضای بالای برج، بزرگ‌ترین سازه رأس در میان برج‌های مخابراتی است و دارای ۱۳ هزار مترمربع زیربناست. رستوران‌گردان بالای برج تنها یک نمونه دارد که آن هم در استرالیا است.

انگیزه های ساخت برج و هویت آن

شهردار تهران در شهروند امروز (۲۱ مهر ۱۳۸۷) گفته است: "برج میلاد بیشتر یک سازه غربی است تا ایرانی! به نظر من معماری تهران، یک معماری بی هویتی است!"

برج میلاد فرم دارای عملکرد است. عملکرد آن دو جنبه دارد. الف: جنبه های انتفاعی ب: جنبه نشانه‌ای و نمادین.

دو روایت در این باب شنیده می‌شود.

الف: برج با انگیزه مخابراتی و سپس مسئله گردشگری و خدماتی ساخته شد. عملکرد مخابراتی با پیشرفت تکنولوژی شبکه‌های دیجیتالی کم‌رنگ شد.

ب: جنبه مفهومی (نمادین) آن اصالت داشت و سایر جنبه‌ها، فرعی بود. قرار بود تا نماد ساختمان‌سازی و معماری پس از انقلاب باشد و نماد تهران! یک سمبل جدید که کارکرد مخابراتی،

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

فرم‌های نمادین یا سمبولیک، دلالت‌های معنایی متعددی دارد. معانی نمادین اشیاء، در بسترهای فرهنگی، زندگی اجتماعی و تاریخی است که به تدریج شکل می‌گیرند. تصمیمی اجتماعی و غیر شخصی است که تعیین می‌کند ترازو نماد عدالت است و سرو نماد استقامت و سرو نماد آزادی!

۶۸



می‌کند و نماد خلاقیت ایرانی است". (غلامحسین کرباسچی شهردار سابق تهران، مصاحبه: ۲۱ مهر ۱۳۸۷ شهروند امروز). «شادمهر راستین» و «محمد بهشتی» دو آرشیتکتی که در طراحی نهایی برج میلاد مشارکت داشته‌اند، می‌گویند: «در پاریس، خیابان «شانزله‌لیزه» ویتترین شهر پاریس است و تنها یک معبر تلقی نمی‌شود. نماد هر شهر، معرف آن شهر است. فرم ناب داریم و فرم کارکردگرا. برج میلاد نماد عمل‌گراست؛ اما نمادین بودن برج اهمیت بیشتری دارد و عملکرد آن امری ثانوی است. جهان ارتباط‌های ماهواره‌ای، ضرورت و کارکرد برج‌های مخابراتی را منتفی کرده است. برج میلاد نماد تکنولوژی و توانایی مهندسی کشور است. این برج نماد تمنای استقلال و آزادی است. برج میلاد یک فرم است. می‌خواهد بگوید: ما ز بالایم و بالا می‌رویم. بنای سلطانیه ارتفاع می‌گیرد. چون می‌خواهد بگوید من چه کسی هستم!» (همان).

آیا این معانی قابلیت اطلاق به دیگر برج‌ها را هم دارد؟ می‌دانیم که فرم‌های نمادین یا سمبولیک، دلالت‌های معنایی متعددی دارد. معانی نمادین اشیاء، در بسترهای فرهنگی، زندگی اجتماعی و تاریخی است که به تدریج شکل می‌گیرند. تصمیمی اجتماعی و غیر شخصی است که تعیین می‌کند ترازو نماد عدالت است و کوه نماد استقامت و سرو نماد آزادی!

«هیدگر» در سخنرانی «تصویر جهان» (۱۹۳۸) گفت: «آن چه دوران مدرن را از دوره‌های دیگر متمایز می‌کند، این است که جهان یک سر تبدیل به تصویر شده است». جهان به مثابه تصویر شناخته می‌شود و تصویرها یا نشانه‌های تک معنایی‌اند، همچون پرچم سفید در جنگ که نشانه درخواست صلح و تسلیم است یا علائم راهنمایی در جاده‌ها! اما در بیشتر موارد، نشانه‌ها چندمعنایی‌اند و تفسیرپذیر و به ایده‌هایی کلی وابسته‌اند و معانی متعددی با دلالت‌های ضمنی پیدا می‌کنند. جهان، نخست از راه دیدن شناخته می‌شود و به عبارتی تفسیر می‌شود. شناخت زمینه و متن‌هایی که تصویر در آن قرار می‌گیرد، به تفسیر مفسر شکل می‌دهد. نمادگرایی برج، جهانی است: برج بابل زیگورات بابلی بود. زیگورات پرستشگاه سومری، نمادی از کوهستان مقدس، سکونت‌گاه ایزدان بود و محور کیهانی به شماره می‌رفت و بند عمودی میان آسمان و زمین، زمین و جهان زیرین و بندی افقی بین سرزمین‌ها بود.

زیگورات یک برج هرمی‌شکل با طبقات متعدد که نمونه معماری مقدس در بسیاری از شهرهای بین‌النهرین است. یکی از نمونه‌های مشهور و کهن آن در اور، حدود ۲۲۰۰ پیش از میلاد ساخته شد (آبازسازی). مشهورترین آن‌ها در بابل، یعنی برج توراتی بابل بود (سده هفتم - ششم پیش از میلاد)، که ۳۰۰۰ پا ارتفاع و هفت طبقه داشت. زیگورات، نماد کوه مقدس بود که آسمان و زمین را به هم می‌پیوست. (هال، ۱۳۸۰: ۱۴۵).

زیگورات ساختمانی بین‌النهرینی، که برج بابل با الهام از این نوع ساختمان ساخته شد، در کتاب مقدس این نماد افراط انسان‌هایی است که می‌خواستند برابر با خدایان باشند و گمان داشتند می‌توانند با وسایل کاملاً مادی به آسمان صعود کنند. به تبع سنت بابلی، پس از آن به زیگورات ارزش نمادین نردبان

داده شد. این برج عظیم برای تسهیل فرود خدایان به زمین و صعود انسان‌ها به آسمان بود. زیگورات‌ها نشانه تلاش غریب انسان برای نزدیک‌شدن به خداوند بود. این تلاش منحرف شد و به خود خداپنداری انسان منجر شد. مفهوم اصلی زیگورات به عنوان درخت یا محوری است که دو مرکز آسمانی و زمینی را به هم پیوند می‌داد. این مفهوم با ساخت برج بابل که ناتمام ماند، دگرگون شد. برج بابل که با انگیزه هم‌آوردی و رفعت‌جویی در برابر خدا، ساخته شد، به نماد اغتشاش، پراکندگی و تفرقه تبدیل گردید. زیرا «یهوه» سازندگان این برج را متفرق می‌کند. (همان ۴۹۲) تمامی جهان با یک زبان و کلام سخن می‌گفتند و سخن یکدیگر را می‌فهمیدند. «یهوه» زبان‌هایشان را مگشوش کرد و درهم ریخت. آن‌چنان که هیچ یک کلام دیگری را نمی‌فهمیدند. (تورات، سفر آفرینش ۱: ۱۱)

به نظر می‌رسد که الگوی طبیعی ساخت برج‌ها، درختان و کوه‌های سر به فلک کشیده باشند. برج‌ها غیر از کارکردهای معنوی و عبادی برای دیده‌بانی و مراقبت شهر از نفوذ بیگانگان و دشمنان نیز ساخته می‌شدند.

سنت ساختن بنای مقدسی که به طرف آسمان برافراشته شود، بدون شک از میل نزدیک‌شدن به قدرت الهی و ساختن ترعه‌ایی از زمین به سوی آسمان، ریشه گرفته بود. برج بابل آبلال به زبان اکدی یعنی «در خدا» از غرور بشری منشأ گرفته و تمایلات انسانی است که می‌خواهد خود را تا حد خداوندی بالا برد. نماد تفاهمی غرورآمیز و جبارانه و در عین حال نماد اغتشاش، پراکندگی و فاجعه، این است مفهوم برج بابل. در سنت مسیحی، ملهم از ساختمان‌های نظامی و درباری، برپا کردن برج‌ها، مناره‌ها و باروها ترغیب شد؛ برج، نماد بیداری و عروج بود و در عین حال نردبان بود: ربط میان زمین و آسمان که به وسیله نردبان نشان داده می‌شد، هر پله نردبان، یادآور یکی از طبقات برج و نشانه مرحله‌ایی از عروج بود. برج، نماد رفعت‌جویی و کمال‌یابی است. (شوالیه و گربران: ۷۶-۷۴)

ساخت برج، سابقه‌ای به قدمت تاریخ تمدن بشر دارد. و گلدسته‌ها و مناره‌ها از جمله برج‌هایی‌اند که علاوه بر جنبه‌های کارکردی به مثابه نماد عبادتگاه و مکان مقدس شناخته شده‌اند. برج میلاد با رأس تاج‌گونه‌اش، نماد افتخار و سرافرازی است و صعودی متعالی! و نردبان آسمان با طبقاتی که هر طبقه خود نماد یکی از مراتب عروج است و این مراتب با عدد ۱۲ قرین است. چنین مفاهیمی اگر مورد پذیرش عام قرار نگیرند، بیشتر به برداشت‌ها و علقه‌های شخصی ارتباط پیدا می‌کند. برج میلاد همچون هر اثر یادمانی شاید در طی زمان، معانی خاص خود را پیدا کند و به عنوان نماد شهر تهران توسط جامعه شهری پذیرفته شود و جهان نیز، تهران را با برج میلاد بشناسد.

تمام

منابع
■ کتاب مقدس
■ شوالیه، ژان؛ گربران، آن (۱۳۸۷-۱۳۷۸) فرهنگ نمادها، ترجمه: سودابه فضایی، تهران: چیچون.
■ هال، جیمز (۱۳۸۰) فرهنگ نگاره‌های نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه: رقیه بهزادی، تهران: فرهنگ معاصر.